

The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law

Feasibility of Applying Innovations in the French Civil Code Regarding the Law of Obligations to the Iranian Civil Code

Zahra Motaharifar¹, Mohammad Sadeghi^{*2}, Seyed Mehdi Mirdadashi³

1. PhD Student, Department of Private Law, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran

2. Assistant Professor, Department of Private Law, Qom Branch, Hazrat Masoumeh University, Qom, Iran

3. Assistant Professor, Department of Private Law, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran

* Corresponding Author's Email: m.sadeghi@hmu.ac.ir

ABSTRACT

Following the reforms made in the French Civil Code, several notable innovations have emerged in this legal system. These innovations have been shaped by years of judicial practice, the system's inherent weaknesses, and inspiration from European Union regulations. Their significance also extends to Iranian law, as Iran's legal framework has historically been influenced by the French legal system. Consequently, the new provisions may bear relevance to the future reform of Iran's Civil Code. One of the most substantially reformed areas in France concerns the law of obligations, which is equally significant in Iranian law. A key characteristic of these changes is their alignment with global trade practices and the reduction of judicial intervention. Due to such influences, it is possible to identify harmonized and compatible elements within the French reforms that could justify corresponding changes in Iranian law. In this context, the present study conducts an analytical-descriptive feasibility assessment of applying the innovations in the French Civil Code concerning the law of obligations to the Iranian Civil Code, utilizing a library-based research methodology. The findings reveal that one major feature of the French reforms—granting extensive powers to judges to ensure contractual balance—could potentially destabilize contractual relationships. This approach appears more restrained in Iranian law, where contract durability is more emphasized. Another notable innovation in the French Code is the duty of disclosure, which, although sporadically addressed in Iranian law (e.g., in the Civil Code and Insurance Law), has been rendered more operational and structured in French law. A further important innovation in the French Civil Code involves addressing contractual imbalance, which in Iranian law is currently evaluated based on circumstances and context, but could benefit from more structured reform.

Keywords: *duty of disclosure, imbalance, economic duress, compensation for damage.*

How to cite: Motaharifar, Z., Sadeghi, M., & Mirdadashi, S. M. (2024). Feasibility of Applying Innovations in the French Civil Code Regarding the Law of Obligations to the Iranian Civil Code. *The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law*, 2(2), 1-16.



تاریخ ارسال: ۲ تیر ۱۴۰۳

تاریخ بازنگری: ۱ مرداد ۱۴۰۳

تاریخ پذیرش: ۱۵ مرداد ۱۴۰۳

تاریخ چاپ: ۲۹ مرداد ۱۴۰۳

دانشنامه فقه و حقوق تطبیقه

امکان سنجی اعمال نوآوری‌های قانون مدنی فرانسه در حوزه حقوق تعهدات در قانون مدنی ایران

زهرا مطهری فرا^۱، محمد صادقی^{۲*}، سید مهدی میرداداشی^۳

۱. دانشجوی دکتری، گروه حقوق خصوصی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران

۲. استادیار، گروه حقوق خصوصی، واحد قم، دانشگاه حضرت معصومه (ع)، قم، ایران

۳. استادیار، گروه حقوق خصوصی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران

* پست الکترونیک نویسنده مسئول: m.sedeghi@hmu.ac.ir

چکیده

بعد از اصلاحاتی که در قانون مدنی فرانسه انجام شد، شاهد نوآوری‌هایی در این قانون بودیم که به نظر جالب می‌آید. این نوآوری‌ها متناسب با رویه قضایی چندین ساله این کشور و ضعف‌های موجود و همچنین به تاسی از مقررات اروپایی به وجود آمده است. اهمیت این نوآوری‌ها برای حقوق ایران نیز قابل توجه است چراکه ایران از نظام حقوقی فرانسه تاثیر پذیرفته و بالطبع مقررات جدید می‌تواند بر آینده قانون مدنی ایران نیز تاثیر بگذارد. یکی از مهم ترین حوزه‌های تغییر یافته بحث تعهدات می‌باشد که در ایران نیز دارای اهمیت می‌باشد. آنچه که در این تغییرات به چشم می‌آید، در نظر داشتن تجارت جهانی و کمتر شدن نقش دادگاه‌ها می‌باشد. به خاطر این تاثیرات می‌توان مشابهت‌هایی در این تغییرات متناسب و هماهنگ با قانون ایران پیدا کرد تا دلیل موجهی برای تغییر در قانون ایران نیز یافت شود. با در نظر داشتن این موضوع، به بررسی موضوع امکان‌سنجی اعمال نوآوری‌های قانون مدنی فرانسه در حوزه حقوق تعهدات در قانون مدنی ایران با روش تحلیلی - توصیفی و به صورت کتابخانه می‌باشد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که آنچه در قانون مدنی فرانسه شاهد هستیم از جمله در تعادل قراردادی دادن بیش از حد اختیارات به قاضی می‌باشد که البته می‌تواند قراردادها را بی ثبات کند. امری که در حقوق ایران کم رنگ تر است و دوام قراردادها نیز بیشتر است. موضوع مهم دیگر به عنوان نوآوری در قانون فرانسه، تعهد به اطلاع رسانی است که هم در قوانین ایران از جمله در قانون مدنی، قانون بیمه و ... به تناوب اشاره شده است ولی در قانون فرانسه به صورت بیشتر کاربردی تر تغییر یافته است. نوآوری دیگر در قانون فرانسه که بسیار مهم می‌باشد، عدم تعادل ناشی از خود قرارداد می‌باشد که در ایران بسته به شرایط و اوضاع و احوال سنجیده می‌شود و باید تغییر یابد.

کلیدواژگان: تعهد به اطلاع رسانی، عدم تعادل، اجبار اقتصادی، جبران خسارت.

نحوه استناددهی: مطهری فرا، زهرا، صادقی، محمد، و میرداداشی، سید مهدی. (۱۴۰۳). امکان سنجی اعمال نوآوری‌های قانون مدنی فرانسه در حوزه حقوق تعهدات در قانون مدنی ایران.

دانشنامه فقه و حقوق تطبیقی، ۲(۲)، ۱-۱۶.



ایرادات و نواقصی می‌باشد که ایران نیز این موضوع را از قانون مدنی فرانسه به ارث برده است و لازم است قانون مدنی ایران نیز با توجه به زمان و تحولات روز تغییرات اساسی یابد.

با این اوصاف قانون مدنی ایران نیازمند تغییرات اساسی است چراکه بسیاری از بخش‌های آن نیازمند تکمیل، بازسازی و اصلاح است. شباهت‌های فراوانی میان حقوق تعهدات ایران و فرانسه وجود دارد. مطالعه پیشرفت‌های حقوقی به ویژه در قانون فرانسه که منبع الهام بخش تدوینگران قانون مدنی ایران بوده است، کمک میکند تا ضمن شناسایی دستاوردهای رویه قضایی و دکرین که این موضوعات در اصلاح بخش تعهدات حقوق فرانسه نقش به سزایی داشته اند. بنابراین ساده سازی مقررات، حمایت از طرف ضعیف در قراردادهای استاندارد و جذاب سازی حقوق قراردادهای نیز میتواند مبنای خوبی برای قانونگذاری ایران باشد.

۱) تمديد کنترل شرایط ناعادلانه قرارداد

یک نوآوری واقعی اصلاحات در رابطه با شرایط ناعادلانه است که در آن دو ماده جدید وجود دارد. ماده ۱۱۷۰^۱ مقرر می‌دارد که هر شرطی که مقتضای تعهدات اصلی مدیون (مقتضای ذات عقد) را ساقط نماید، کان لم یکن است. نقطه مشابه این ماده، ماده ۲۳۳ قانون مدنی ایران می‌باشد. شروط مفصله ذیل باطل و موجب بطلان عقد است. ۱ - شرط خلاف مقتضای عقد. ۲ - شرط مجهولی که جهل به آن موجب جهل به عوضین شود.

ماده ۱۱۷۱^۲ حمایت از شروط غیرمنصفانه را با کان لم یکن تلقی کردن کلیه شروط که عدم تعادل قابل توجهی در حقوق و تعهدات طرفین ایجاد می‌کند، بیشتر گسترش می‌دهد. با این حال، عدم تعادل قابل توجه نمی‌تواند به موضوع اصلی قرارداد و کفایت

مطابق فرمان شماره ۲۰۱۶-۱۳۱ مورخ ۱۰ فوریه ۲۰۱۶ برای اصلاح قانون قراردادهای، رژیم کلی تعهدات و اثبات تعهدات ("مصوبه") از اول اکتبر ۲۰۱۶ لازم الاجرا شد. این اصلاحات تحولات جدیدی را در قانون مدنی و نظام حقوقی ایجاد کرد که تعهدات و قراردادهای از جمله آن‌ها بوده و تحولات اساسی را پشت سر گذاشته است. به موجب ماده ۸ قانون مصوب ۱۶ فوریه ۲۰۱۵، این اصلاحات سه هدف اساسی را دنبال میکند:

نخست تضمین امنیت حقوقی و کارایی معیارهایی است که قواعد عمومی قراردادهای را برای عموم

مفیدتر می‌سازد چراکه تا پیش از این، حقوق قراردادهای فرانسه پیچیده و مبتنی بر رویه قضایی بود که کمتر به درد مردم می‌خورد. به همین دلیل این مصوبه تدوین قانونی را پیش بینی نمود که ضمن خوانایی و قابلیت دسترسی، از آشخور رویه قضایی نهادینه شده در حقوق این کشور تغذیه شده باشد. هدف دوم، تقویت عدالت قراردادی بود که موجب ارائه راهکارهایی به منظور حمایت از طرف ضعیف قرارداد گردید و نهایتاً هدف سوم نیز جذابتر نمودن حقوق قراردادهای فرانسه بود، چراکه تا پیش از این، حقوق قراردادهای فرانسه به عنوان مبنای مبادلات اقتصادی، عمدتاً برگرفته از کتاب سوم قانون مدنی این کشور بود که از سال ۱۸۰۴ میلادی دست نخورده باقیمانده بود و در نتیجه با واقعیات اجتماعی و اقتصادی جهان کنونی فاصله داشت؛ ایرادی که عموماً به قانون مدنی ایران نیز وارد می‌کنند. در حوزه ایران نیز باید توجه داشت که چون حقوق فرانسه در حوزه قانون مدنی و حقوق تعهدات و قراردادهای در نظام حقوقی ایران تأثیرات غیرقابل انکار و موثری داشته است، لذا این تغییرات در قانون مدنی فرانسه نشان دهنده

۱. هر شرطی که مقتضای تعهدات اصلی مدیون (مقتضای ذات عقد) را ساقط نماید، کان لم یکن است.

۲. در قراردادهای الحاقی تمامی شروطی که باعث ایجاد عدم تعادل اساسی در حقوق و تعهدات طرفین میشود کان لم یکن است.

ارزیابی عدم تعادل اساسی به موضوع اصلی قرارداد و کافی بودن قیمت قرارداد مربوط نمی‌شود.

قیمت مربوط باشد. این قوانین منشأ خود را در قانون حمایت از مصرف کننده دارند اما اکنون به طور گسترده تری اعمال می شوند. این گسترش در حمایت عمومی در برابر شرایط ناعادلانه به منظور ترویج عدالت قراردادی^۱ است و تا حدی نشان دهنده تغییرات گسترده نسبت به گذشته است. تا قبل از اصلاحات، خارج از چارچوب قراردادهای مصرف کننده، صلاحیت دادگاه فرانسه در مورد شروط ناعادلانه جزئی بود. هیچ قدرت عمومی برای لغو شرایط ناعادلانه وجود نداشت. ماده ۱۱۷۱ شمول بسیار وسیعی دارد. صلاحیت دادگاه محدود به ارزیابی عادلانه بودن بندهای مربوطه نیست بلکه برای همه شرایط قرارداد اعمال می شود. تنها محدودیت در دامنه آن مربوط به نوع قرارداد است. این به شرایط مندرج در قراردادهای فرم استاندارد که در آن شرایط ناعادلانه بیشتر یافت می شود، محدود می شود.

رویکرد جدید به شرایط ناعادلانه در فرانسه با قراردادهای بین‌المللی و حقوق انگلیس تفاوت دارد. در حالی که ماده ۱۱۷۱ نزدیک به بند چهارم ماده ۱۱۰ اصول حقوق قراردادهای اروپایی است، اما با مقررات مربوطه در اصول UNIDROIT متفاوت است. دامنه حفاظت از برخی جهات محدودتر و در برخی دیگر گسترده تر است. ماده ۷.۱.۶ این اصول از این جهت محدودتر است که فقط به شروط محرومیت و مسئولیت‌های آن مربوط می شود، اما از نظر گستردگی اعمال آن برای همه قراردادهای اعم از مذاکره شده یا به شکل استاندارد کاربرد دارد.

در این ارتباط همانطور که اشاره شد، بر اساس ماده ۲۳۳ قانون مدنی ایران شروطی که برای بطلان عقد مقرر شده است، از این قرار است:

۱ - شرط خلاف مقتضای عقد.

۲ - شرط مجهولی که جهل به آن موجب جهل به عوضین شود.

باید توجه داشت که شروط ذکر شده در ماده مذکور در واقع شرط و عقد را توان باطل می کنند. زمانی که شرط انجام شده بر خلاف مقتضای عقد باشد، در این صورت چون بر خلاف هدف اصلی قرارداد می باشد، باطل تلقی می گردد. برای مثال در قرارداد فروش خانه هدف اصلی انتقال مالکیت می باشد و چنانچه انتقال مالکیت استثنا باشد یا مانعی برای انتقال وجود داشته باشد، هم شرط باطل می شود و هم عقد یا در عقد نکاح رابطه زناشویی هدف اصلی می باشد و چنانچه مستثنا شود یا مانعی به وجود بیاید، در این صورت این مانع باید برطرف شود، در غیر این صورت عقد نکاح باطل می شود. ولی با این حال آنچه از نظریه حقوقدانان بر می آید، اگر این انتقال مالکیت یا بحث‌های مشابه موقتی باشد، در این صورت نیازی برای ابطال نیست و عقد پابرجا خواهد بود. لذا از یک منظر نیازی نیست که این موضوع در حقوق ایران تغییر یابد چراکه هم جامع است و هم مانع ولی با این حال کافی نمی باشد. برای این امر باید توجه داشت که باید بین قراردادهای مدنی و قراردادهای تجاری تفاوت قائل شد، همانطوری که در ماده ۱۱۷۱ قانون مدنی فرانسه اعمال شده است. بحث دیگر کنترل می باشد که در مورد قراردادهای بزرگ یا کوچک می تواند متفاوت باشد. ماده ۱۱۷۱ قانون مدنی اصلاحات را مجدداً بیان کرده است، اما محدود به قراردادهای پیوسته شده است. می توان باور داشت که چنین اصلاحی ایرادات فوق را برطرف یا رفع نکرده است. فلذا توجه به نکات زیر بسیار حائز اهمیت است:

(۱) اگرچه محدود کردن کنترل، قراردادها را تا حدودی محدود می کند، اما همچنان به این معنی است که از نظر فنی این مکانیسم برای قراردادهای تجاری که شرایط عمومی و شرایط استاندارد را معمول می کنند، قابل اعمال است.

(۲) ما هنوز معیار مناسبی برای این کنترل نداریم، به خصوص اگر در قراردادها قابل اجرا باشد. در واقع می توانست محدود به

^۱ . Justice contractuelle

ب) به نظر می‌رسد نقاط همگرایی بیشتری با این قانون در کد مصرف کننده وجود دارد زیرا هر دو قانون نقاط خاصی را از محدوده کنترل خارج می‌کنند. در واقع، ماده ۱-۱۳۲ قانون مصرف کننده اعلام می‌کند که کنترل شرایط ناعادلانه قرارداد به «تعریف موضوع اصلی قرارداد و کفایت بین قیمت یا دستمزد با کالای فروخته شده یا خدمات ارائه شده مربوط نمی‌شود». اصطلاحات واضح و قابل فهم است». در نگاه اول به نظر می‌رسد تفاوت اصلی بین «تعریف موضوع» و «تعریف موضوع اصلی» قرارداد باشد، اگرچه می‌توان این خطر را داشت که در عمل این دو مفهوم تمایل به تلاقی داشته باشند. مهمتر از آن، چنین استثنایی از مکانیسم کنترل، برخلاف ماده ۱۱۶۹ آینده، مبتنی بر قابل فهم بودن چنین بندهایی است (Whittaker & Stoffel-Munck, 2015).

ج) علاوه بر این، از آنجایی که تمام این کنترل‌ها بر مفهوم عدم تعادل قابل توجه است، برخی از نویسندگان این مساله را مطرح کرده اند که چگونه این تعادل شکل خواهد گرفت (Chagny & Stoffel-Munck, 2015). آیا می‌توان به جای ماده ۴۴۲ قانون تجارت فرانسه به ماده ۱۱۷۱ استناد کرد چراکه ماده ۱۱۷۱ مستلزم ایجاد شرایط کمتری است؟

می‌دانیم که کنترل شروط ناعادلانه در قراردادهای مصرف کننده را نمی‌توان با بندهایی کنار گذاشت زیرا از سیاست عمومی است، اما در مورد این ماده چه می‌شود؟ در واقع اگر هدف آن تنظیم روابط حرفه‌ای بین متعاهدین باشد، می‌توانیم آن را بیانی از اراده باقی‌مانده یا بخشی از سیاست عمومی بدانیم. اما اگر می‌خواهد سیاست‌های عمومی را یکپارچه کند، شاید به این دلیل است که هدف آن محافظت از متخصصان ضعیف‌تر در مواجهه با متخصصان قدرتمندتر است. با این حال، چنین تفسیری باید نسبی شود، زیرا این اصلاح، برخلاف قانون مدنی هلند، قانون مدنی فرانسه تصمیمی به محدود کردن چنین کنترلی ندارد (Whittaker & Stoffel-Munck, 2015).

قراردادهای بین نهادها یا شرکتهایی با اندازه و قدرت بازار یا چانه‌زنی متفاوت باشد (Whittaker & Stoffel-Munck, 2015).

با توجه به معیار عدم تعادل قابل توجه، یک محقق حقوقی فرانسوی می‌تواند به دو کنترل از قبل موجود در شرایط قراردادی اشاره کند که به عدم تعادل قابل توجه اشاره می‌کنند.

الف) با این وجود، می‌توان تردید داشت که آیا این عدم تعادل‌های قابل توجه مشابه ماده ۱۱۷۱ است، جایی که صراحتاً ذکر شده است که کنترل «نباید به تعریف موضوع قرارداد و کفایت قیمت در آن مربوط» باشد. در حالی که در قانون تجارت فرانسه فقط به ایجاد «عدم تعادل قابل توجه بین حقوق و تعهدات طرفین» اشاره شده است. از این رو، کنترل اعمال شده توسط قوانین تجاری از نظر دامنه بسیار بزرگتر به نظر می‌رسد زیرا قاضی می‌تواند عدم تعادل اقتصادی را بررسی کند. علاوه بر این، به نظر می‌رسد که کنترل تجاری شرایط غیرمنصفانه ممکن است دیدگاه جامع‌تری داشته باشد و عدم تعادل بالقوه در روابط جهانی بین طرفین را درک می‌کند و نه فقط عدم تعادل ایجاد شده یا نه در رابطه با یک قرارداد خاص یا از طریق یک بند خاص. با این حال، مقررات تجاری عمدتاً در روابط قراردادی بین یک توزیع‌کننده بزرگ و یک تامین‌کننده کوچک‌تر استفاده می‌شود، زیرا چنین روابطی معمولاً با یک عدم تعادل ساختاری مشخص می‌شوند، که نشان‌دهنده یک محدودیت قضایی خاص است (Lammerville & Stoffel-Munck, 2015) که دامنه کنترل قراردادهای مربوطه را محدود می‌کند. علاوه بر این، کنترل شرایط ناعادلانه در قراردادهای تجاری مستلزم شرایط بسیار بیشتری نسبت به آنچه اصلاحات در ماده ۱۱۷۱ اجرا می‌کند، دارد. در واقع به یک نتیجه، بالقوه یا به دست آمده نیاز است که شامل یک عدم تعادل قابل توجه و یک عنصر عمدی است که شامل تسلیم یا تلاش برای تسلیم شریک تجاری خود به عدم تعادل است.

۲) تعهد به اطلاع رسانی

همسو با رویه قضایی و ماده ۱۱۱۲-۱ قانون مدنی جدید تعهد به اطلاع رسانی در خصوص موضوع قرارداد و خصوصیات طرفین را بر عهده طرفین گذارده و آن را در زمره قواعد مربوط به نظم عمومی محسوب داشته و برای آن ضمانت اجرا معین کرده است به موجب این ماده هر یک از طرفین قرارداد اعم از حرفه‌ای و غیر حرفه‌ای که اطلاعاتی تعیین کننده در رضایت طرف دیگر برای انعقاد قرارداد داشته باشد باید در صورتی که طرف مقابل به نحو مشروعی نسبت به آن‌ها جاهل بوده یا به وی اعتماد کرده باشد آن اطلاعات را به آگاهی او برساند؛ این تعهد صرفاً ناظر به اطلاعاتی است که فقط یکی از طرفین از آن‌ها مطلع می‌باشد و شامل اطلاعات ناظر به تخمین ارزش موضوع تعهد نمی‌شود در خصوص ضمانت اجرای این تعهد نیز بند اخیر ماده مزبور پیش بینی نموده که عدم انجام این تعهد مسئولیت قانونی متعهد را در پی خواهد داشت و در صورتی که منجر به عیب رضاء گردد مثل اشتباه یا تدلیس قرارداد را در معرض بطلان قرار می‌دهد (Raminpour & Ghanbari, 2015).

از منظر حقوق ایران باید توجه داشت که الزام ارائه کردن اطلاعات در مورد عیب‌های پنهان توسط منتقل کننده می‌تواند مطرح شود. از طرفی اگر انتقال دهنده اطلاعات عیوب پنهان موجود را به شخص مقابل ارائه ندهد، از منظر قانون مدنی تدلیس بوده و ممکن است عدم ارائه اطلاعات دارای ضمانت اجرا شده و سکوت مزبور نیز متقلبانه تلقی گردد. این موضوع در ماده ۱۲ قانون بیمه نیز ذکر شده و در ماده ۱۳ همین قانون نیز عامل موثر در قرارداد بیمه را اظهارات خلاف واقع و سکوت دانسته است. در تدلیس منفی و در فرض پذیرش قضایی آن، بدون اینکه خدشه‌ای به اراده و رضا وارد آید، طرف فریب خورده صرفاً حق فسخ معامله را پیدا می‌کند. ولی از منظر حقوق ایران ارائه اطلاعات به صورت مستقیم وجود ندارد و آنچه که از مطالب ارائه شده برمی آید، صرفاً تفسیری

می‌باشد که سعی دارد به بحث ارائه اطلاعات در نظام حقوقی فرانسه نزدیک شود. از سوی دیگر در ایران تفسیر ارائه شده صرفاً شامل ارائه اطلاعات پیش قراردادی می‌شود (Nazari et al., 2022).

۳) عدم تعادل ناشی از خود قرارداد

قانون مدنی قبلی فرانسه همچون قانون مدنی فعلی ایران، فاقد یک اصل کلی ناظر بر لزوم تعادل قراردادی بود. تا پیش از اصلاح قانون مدنی این کشور، صرفاً این طرفین قرارداد بودند که حق ارزیابی تعادل قراردادی و پیشبینی سازوکار لازم جهت تحقق آن را در اختیار داشتند و قضات این کشور چندان قادر به ایفای نقش در این زمینه نبودند (De Vincelles, 2014). به همین دلیل پیش بینی راهکارهای لازم در این خصوص یکی از مهمترین نوآوری‌های این اصلاحات است. اصلاحیه با اتخاذ برخی سازوکارهای موجود در حقوق این کشور آشکارا در پی تقویت تعادل قراردادی می‌باشد؛ مثلاً موارد پیش بینی شده در مواد ۱۱۶۸، ۱۱۶۹ و ۱۱۷۰ قانون مدنی جدید که به ترتیب به عدم پذیرش نظریه غبن به عنوان یک قاعده عمومی در حقوق قراردادها اشاره دارد. ماده اخیرالذکر را می‌توان یکی از مهمترین اقدامات در راستای برقراری تعادل قراردادی دانست که بر اساس رای مشهور از سوی دیوان عالی فرانسه یعنی رأی (Chronopost) که در زمینه شرط تحدید مسئولیت صادر شده، وضع گردیده است؛ توضیح اینکه تا پیش از این اصلاحات چگونگی برخورد با شروط معارض با تعادل قراردادی، یکی از مباحث مهمی بود که در حقوق این کشور محل اختلاف نظر جدی بین محاکم و صدور آرای متعارض قرار می‌گرفت که سرانجام مرجع مزبور با صدور این رأی چنین اعلام داشت که چنین شروطی به دلیل از بین بردن اساس تعهد مدیون کأن لم یکن هستند و از این طریق اثر این دسته از شروط را که به عنوان یکی از جدی ترین تهدیدات تعادل قراردادی به شمار می‌رفتند، خنثی نمود.

قانونگذار ایرانی بحث عدم تعادل را پیش نکشیده و در قانون مدنی فرانسه نیز بحث جدیدی می‌باشد. لذا در اصلاحاتی که در قانون مدنی پیشنهاد می‌شود، انجام شود، باید یکی از بحث‌های مورد بحث، عدم تعادل قراردادی می‌باشد که در تجارت و امور مدنی بیشتر رخ می‌دهد.

همچنین اعطای مجوز به قاضی برای تعیین ضمانت اجرای سوء استفاده از وضعیت وابستگی یکی از طرفین قرارداد توسط طرف دیگر به موجب ماده ۱۱۴۳ را باید گام دیگر قانون‌گذار فرانسه به سوی برقراری هر چه بیشتر عدالت قراردادی بدانیم ماده مزبور سوءاستفاده یکی از طرفین قرارداد از وضعیت طرف مقابل را در حکم اکراه اعلام نموده و در نتیجه احکام و آثار مشابهی برای آن‌ها بار کرده است که این اقدام امری بدیع به حساب می‌آید (Shahidi, 1998).

در این ارتباط ماده ۲۰۶ قانون مدنی ایران حائز اهمیت است. بر اساس این ماده، اگر کسی در نتیجه اضطرار، اقدام به معامله کند، مکره محسوب نشده و معامله اضطراری معتبر خواهد بود. باید توجه داشت که در حقوق ایران معامله اضطراری رضا را معیوب نکرده و آزادی را از وی نمی‌گیرد و در نتیجه معامله انجام شده صحیح تلقی می‌گردد (Shahidi, 2009). در اضطرار، برخی ضرورت‌ها و شرایط سخت اقتصادی و معذورات اخلاقی، محدودیت‌هایی را برای اشخاص به وجود می‌آورند؛ نه تهدید انسانی دیگر (Bazgir, 2010). لازم به ذکر است که اگر شخصی بر اثر اضطرار، اقدام به خرید کالا، به قیمتی بالاتر نماید؛ در این صورت دعوی خیار غبن، از وی پذیرفته نخواهد بود. این موضوع گرچه در حقوق ایران وجود دارد ولی به عنوان عدم تعادل قراردادی مطرح نمی‌باشد ولی می‌توان چنین عنوانی را برای قانون مدنی آینده ایران در نظر گرفت (Safaei, 2010).

افزون بر راهکارهای حقوق فرانسه ابداع دیگر اصلاحیه را در ماده ۱۱۷۱ می‌توان مشاهده نمود. ماده مزبور ضمن تعریف شروط

در این ارتباط می‌توان به مواد ۲۰۱ و ۲۳۲ قانون مدنی ایران اشاره داشت. مطابق ماده ۲۰۱ اشتباه در شخص طرف به صحت معامله خللی وارد نمی‌آورد مگر در مواردی که شخصیت طرف علت عمده عقد بوده باشد. در واقع شخصیت طرف یکی از تعادل‌های قراردادی می‌باشد که در حقوق ایران به صورت مستقیم به آن اشاره نداشته است. در معامله و قراردادها شخصیت یکی از عناصر اصلی قراردادها می‌باشد لذا اگر اشتباهی صورت گیرد، این اشتباه شخصیت طرف مقابل را نشانه گیرد، مانند اینکه اگر شخصی شیئی را به برادر خود صلح کند ولی بعد از عقد معلوم شود که برادر وی نبوده است، عقد صلح باطل می‌شود (Shahidi, 2023). ماده ۲۳۲ نیز در حقوق ایران می‌تواند به عدم تعادل قراردادی در قانون مدنی اشاره داشت. بر اساس ماده مزبور شروطی وجود دارند که مبطل عقد هستند که عبارتند از: شروط غیرمقدور، شروطی که نفع و فایده‌ای در آن وجود نداشته باشد، شروط نامشروع. شروط غیرمقدور مربوط به شروطی می‌باشد که کلاً قابل انجام نباشد و احدی نتواند آن را انجام دهد، در این صورت شرط غیرمقدور می‌شود. این موضوع چون تعادل قرارداد را می‌تواند به هم زند، در این صورت نمی‌توان قرارداد را منعقد کرد. از طرف دیگر شروط دیگری وجود دارد که بدون فایده و نفع می‌باشد یعنی برای صاحب منافع هیچ سودی نداشته ندارد. این موضوع گرچه می‌تواند تعادل قرارداد را به هم بزند ولی نمی‌توان به صورت مطلق تعادل را از قرارداد مزبور بزدايد (Jalil Ghanavati et al., 2009). لذا این بخش از ماده ارتباطی با شرط عدم تعادل قراردادی ندارد. در مورد شرط نامشروع باید توجه داشت که چون با نظم عمومی و قوانین آمره مخالف باشد، در این صورت تعادل قرارداد به هم خورده و در نتیجه از انعقاد قرارداد جلوگیری می‌کند. گرچه به صورت مصداقی می‌توان از برخی مواد تفسیری به عمل آورد که با قانون مدنی فرانسه یکی باشد ولی با این حال قانونگذار ایرانی به هیچ عنوان در نظام حقوقی به آن اشاره نکرده است. لذا

ایجاد عدم تعادل قابل توجه بین حقوق و تعهدات طرفین قرارداد» شود. در این ماده هرچند جنبه ماهوی انصاف شرط اصلی غیرمنصفانه شدن شرط دانسته شده، اما با محدود کردن این امر به قراردادهای الحاقی، به جنبه شکلی آن نیز توجه شده است.

۴) اجبار اقتصادی

طرح مفهوم اجبار اقتصادی در اصلاحیه با تأثیر از اسنادی همچون اصول حقوقی قراردادهای اروپایی (ماده ۴:۱۰۹) و اصول قراردادهای تجاری بین المللی ماده (۳:۲.۷) صورت پذیرفته است. ماده ۸ قانون ناظر به اعطای صلاحیت به دولت به منظور انجام اصلاحات، اتخاذ یک سری اقدامات دوازده گانه را بر عهده دولت قرار داد که تعیین ضمانت اجرا برای رفتار طرفی که از وضعیت ضعف طرف مقابل سوء استفاده میکند نیز از جمله این اقدامات بود. دیوان عالی فرانسه در برخی از آرای خود اعلام نموده که اجبار اقتصادی می تواند بازتابی از اجبار (یکی از عیوب اراده باشد این موضوع در ماده ۱۱۴۳ جدید مقرر گردیده است؛ به موجب این ماده اجبار زمانی محقق میشود که یک طرف با سوء استفاده از وضعیت وابستگی طرف مقابل تعهدی را تحصیل نماید که در فقدان چنان محدودیتی طرف مقابل وی آن تعهد را بر عهده نمی گرفت و بدین ترتیب او از این رهگذر نفعی آشکارا گزاف را تحصیل نماید. قانون گذار برای چنین سوء استفاده ای ضمانت اجرا تعیین نموده و این سوء استفاده را با توجه به منفعت تحصیل شده از سوی طرف سوء استفاده کننده ارزیابی می کند. البته حدود و ثغور مفهوم «وضعیت وابستگی که قانون گذار مطرح نموده چندان مشخص نیست که این قابل انتقاد است (Dalloz, 2016).

میان اجبار اقتصادی و شروط ناعادلانه ارتباطی خطرناک است چراکه وضعیت اجبار اقتصادی زمینه مناسبی برای تحمیل شروط ناعادلانه از سوی سودجویان تمامیت خواه به طرف دیگر قرارداد

ناعادلانه این شروط را که سبب ایجاد نابرابری فاحش در قراردادهای الحاقی می گردند باطل اعلام نموده است. تا پیش از این، در برخی از قوانین فرانسه همچون قانون مصرف، توافق بین تولید کنندگان و مصرف کنندگان بر سر این شروط باطل اعلام شده بود، اما اصلاحات اخیر سبب ورود این حکم در قانون مدنی این کشور گردید. محدودیت پیش بینی شده در ماده مزبور صرفاً ناظر به قراردادهای الحاقی میباشد و شامل قراردادهای مبتنی بر مذاکره آزاد نگردیده است. این امر به این دلیل است که در قراردادهای الحاقی زمینه صدمه به تعادل قراردادی بیش از هر حوزه دیگری فراهم است اما با این حال عدم تمهید این محدودیت در مواردی که نابرابری فاحش در قدرت معاملاتی طرفین وجود دارد میتواند مورد انتقاد واقع شود، زیرا در این گونه موارد نیز تعادل قراردادی حاشیه امنی شکننده دارد.

نهایتاً مقرر دیگر اصلاحیه به منظور تأمین برقراری تعادل قراردادی، اعطای امکان عدم پذیرش اجرای اجباری قرارداد به قاضی در فرض وجود عدم تناسب آشکار بین هزینه اجرای قرارداد برای متعهد و نفع آن برای متعهد له می باشد که در ماده ۱۲۲۱ مقرر گردیده است.^۱ این حکم مبتنی بر این دیدگاه میباشد که در این حالت امکان درخواست اجرای اجباری قرارداد از سوی متعهد له پیامدهایی غیر منصفانه و ناعادلانه به دنبال خواهد داشت و این در حالی است که می توان جهت برقراری تعادل، قراردادی با اعطای امکان درخواست جبران خسارت به متعهد له، منافع او را نیز تأمین نمود.

در ماده ۱۱۷۱ اصلاحات سال ۲۰۱۶ قانون مدنی فرانسه که در آن بی اعتباری شروط غیرمنصفانه به عنوان یکی از قواعد عمومی قراردادها مطرح شده نیز ضمن محدود کردن بی اعتباری شروط به قراردادهای الحاقی، شروطی غیرمنصفانه دانسته شده که «سبب

^۱ . قرارداد زمانی منعقد میشود که قبول به موجب برسد. قرارداد در محل وصول قبولی، انعقاد می یابد.

در حقوق ایران اصطلاح حقوقی در قانون برای اجبار اقتصادی وجود ندارد ولی می‌توان با تفسیر موسع از ماده ۱۹۰ قانون مدنی ایران، به این عنوان اشاره داشت. مطابق ماده ۱۹۰، یکی از شرایط صحت قرارداد قصد و رضای طرف‌ها می‌باشد. در بحث اجبار چون رضایت وجود ندارد، لذا عقد اثر خود را ندارد. اگر شخص، به دلیلی "قصد" انجام معامله را نداشته باشد، این معامله چنان نقص مهمی دارد که، در آینده نیز به هیچ وجه قابل اصلاح و تکمیل شدن نخواهد بود (Safaei, 2013). به عنوان مثال هر گاه کسی را مجبور به امضای سند فروش ملکی کنند، به نحوی که وی هیچ گونه اراده و قصدی برای فروش آن از خود نداشته باشد، این معامله نه در زمان انعقاد و نه پس از آن هرگز نمی‌تواند اثر حقوقی داشته باشد. چنین قراردادی را در اصطلاح حقوقی "باطل" می‌نامیم (Shahidi, 1998). لیکن گاهی پیش می‌آید که شخص "قصد" انجام معامله را دارد ولی نسبت به آن "رضایت باطنی" ندارد. در چنین قراردادی عنصر "رضا" مفقود است. پس این قرارداد هم ناقص است و اثر کامل و مطلوب خود را به بار نمی‌آورد. لیکن در این مورد می‌توان در آینده، نقص را بر طرف کرد (Safaei, 2013). برای نمونه ممکن است شخص برای تهدید و تاثیرات مختلفی که می‌تواند داشته باشد، ملک خود را می‌فروشد تا از تهدید رها شود. در این مورد قصد معامله وجود دارد ولی رضا وجود ندارد. از منظر حقوق ایران این قرارداد باطل نمی‌باشد ولی چون رضا وجود ندارد، موجب انتقال مالکیت نمی‌شود و در نتیجه قرارداد غیرنافذ می‌باشد. بنابراین اگر بعد از رفع حالت کراهت و حصول رضایت طرف مزبور قرارداد را رضایت دهد، در این صورت آن قرارداد نافذ می‌شود و اثر حقوقی خود را باز می‌یابد (Katouzian, 1997). ولی در صورتی که شخص، بعد از رفع تهدید هم نسبت به آن معامله اعلام رضایت نکند، قرارداد مزبور باطل و فاقد هر گونه اثر حقوقی می‌شود.

۵) تشکیل قرارداد

است. نابرابری قراردادی عملاً می‌تواند از شروطی به وجود آید که امتیازاتی گزاف را به یکی از طرفین قرارداد اعطاء می‌نماید ماده ۱۱۷۰ اصلاحیه به شکلی عام می‌گوید هر شرطی که مقتضای تعهد اصلی مدیون را از بین ببرد نانوشته کان لم یکن فرض می‌شود؟ از جمله این شروط می‌توان به شروط محدود کننده مسئولیت اشاره نمود (Ferrier, 2015). این شروط فقط در صورتی معتبرند که تعهد اساسی ناشی از قرارداد را بلااثر، ننمایند در غیر این صورت این شروط می‌توانند مصداق شرط ناعادلانه تلقی شده و بر طبق ماده ۱۱۷۱ باطل اعلام شوند؛ این ماده دقیقاً از ماده ۱-۱۳۲. قانون مصرف که دارای ادبیاتی مشابه با ماده ۲-۴۴۲. قانون تجارت فرانسه میباشد، اقتباس گردیده است (Dissaux & Jamin, 2016). پیش نویس وزیر دادگستری در ماده ۱۱۶۹ سازوکاری عمومی در مقابله با شروط ناعادلانه را پیش بینی نموده بود که بر اساس آن حکم مواد مذکور در قانون مصرف و قانون تجارت را به سایر قراردادها - صرف نظر از ویژگی طرفین آن - تسری می‌داد، اما در اصلاحیه نهایی، روابط بین اشخاص حرفه‌ای از حوزه شمول این حکم مستثنی گردید، چراکه حمایت از اشخاص حرفه‌ای با اعمال مکانیسمی که برای حمایت از مصرف کنندگان در برابر شروط ناعادلانه مورد استفاده قرار می‌گیرد چندان موجه به نظر نمی‌رسد رویه قضایی نیز تا پیش از این، با استفاده از نظریه «سبب»، در مواردی که یکی از طرفین قرارداد توانسته بود بدون پرداخت عوض مبادرت به درج شرطی در قرارداد بنماید که سبب ایجاد نوعی نابرابری به نفع وی در قرارداد گردد، اقدام به ابطال آن شرط مینمود این راه حل در اصلاحات جدید، بدون اینکه از نظریه «سبب» ذکری به میان آمده، باشد در ماده ۱۱۶۹ مورد پذیرش قرار گرفته است؛ این ماده چنین مقرر می‌دارد که قرارداد معوضی که در زمان انعقاد، آن عوض توافق شده به نفع کسی که تعهدی را بر عهده گرفته است غیر واقعی یا بسیار کم باشد، باطل است.

نوآوری دیگر در اصلاحات، معرفی یک بخش فرعی کاملاً جدید در مورد تشکیل قرارداد است. قانون ۱۸۰۴ یک بندی در این باره نداشت، اما مستقیماً به اعتبار قراردادها پرداخت. این موضوع توسط مفسران فرانسوی به عنوان یک «خطای بزرگ» تلقی شد. اکنون با ۱۵ ماده جدید رو به رو هستیم که مذاکرات پیش قراردادی، پیشنهاد و پذیرش و در نتیجه قراردادهای پیش قراردادی را تنظیم می‌کند. مقررات جدید عمدتاً رویه قضایی موجود را مدون می‌کند. آن‌ها مفاهیم دیرینه پیشنهاد و پذیرش را در این بند گنجانده‌اند و به مسائل معمولی می‌پردازند که در زمان شکل‌گیری قرارداد به وجود می‌آیند، برای مثال تمایز بین پیشنهادات و دعوت‌ها برای اصلاح، پیشنهادات به عموم مردم، پس گرفتن پیشنهادات، زمان انعقاد قرارداد، قبول با سکوت و انصراف از قبول (Chantepie & Latina, 2016).

در مورد تشکیل قرارداد در حقوق ایران، باید توجه داشت که قبل از اینکه قراردادی شکل بگیرد، دوره‌ای وجود دارد که طرفین در آن به گفتگو می‌پردازند تا مفاد قرارداد و شرایط و محتوای آن را با یکدیگر مذاکره کنند. در این دوره می‌باشد که طرفین با یکدیگر در مورد اهداف خود و انتظارات خود مذاکره می‌کنند و سعی می‌کنند مواضع خود را به یکدیگر نزدیک نموده و به توافقی دست یابند (Raminpour & Ghanbari, 2015). جالب توجه است که بدون در نظر داشتن مبنایی ویژه، اعم از قانون یا قرارداد، عوامل مشترک در پیدایش مسئولیت پیش قراردادی در چارچوب رابطه قراردادی، انتظار پیدایش آن در آینده نزدیک و رفتار یکی از دو طرف در دوره پیش قراردادی، خلاصه می‌شود. گرچه در دوره پیش قراردادی هنوز دو طرف به توافق نهایی دست نیافته‌اند، ولی امید دستیابی به آن همچنان وجود دارد. در صورت ناامیدی، ادامه گفتگوها بی‌معنی است. گاهی گفتگوها چنان پیشرفت می‌کند که دو طرف در مورد تمام شرایط قرارداد به توافق می‌رسند و برای نهایی کردن آن تنها یک گام دیگر مانند تنظیم سند و رسمی کردن

آن باقی می‌ماند. در این صورت، دادگاه ممکن است قرار داد را محرز و تنظیم سند را به عنوان رعایت تشریفات آن بشمارد. حال اگر یک طرف با تصور وجود رابطه قراردادی یا انتظار ایجاد آن، کارهای مقدماتی مربوط به اجرای قرارداد را آغاز کند و گام آخر برداشته نشود باید مسئولیت پیش قراردادی دیگری را بر قرار دانست (Taleb Ahmadi, 2013). بر اساس نظر برخی حقوقدانان (Katouzian, 1997) زمانی که در ارکان اصلی قرارداد توافق حاصل شده باشد، قرارداد اتفاق افتاده است ولی آیا مذاکرات مربوط به قرارداد در دوره پیش قراردادی نیز جزو این مسئله می‌شود؟ در حالی که مسائل فرعی نیز معمولاً به عرف واگذار می‌شود. باید چنین گفت که مسئولیت پیش قراردادی متفاوت از تعیین ارکان اصلی قرارداد می‌باشد و شامل آن نمی‌شود ولی زمانی که در مورد موضوعی مذاکره صورت پذیرفته باشد، چنانچه موضوع در مرحله ابتدایی باشد و هنوز پختگی لازم را نداشته باشد و فعلاً در حد حرف و قول ابتدایی باشد، نمی‌توان مسئولیتی برای طرفین متصور شد و چنانچه بر این اساس یکی از طرفین چنین بپندارد که این مرحله ابتدایی جزوی از قرارداد بوده و مثلاً اقدام به فروش یکی از اموال غیرمنقول خود کند و بعداً توافقی برای ادامه مذاکره پیش قراردادی حاصل نشود، در آن صورت طرف مقابل را نمی‌توان مسئول دانست و از مسئولیت مبری خواهد بود گرچه طرف مقابل متضرر شده باشد ولی چنانچه مذاکرات به مرحله‌ای حساس رسیده و یک گام برای توافق مانده باشد، در آن صورت می‌توان اذعان داشت که چون طرفین به مرحله حساسی رسیده باشند و چشم انداز مذاکره کاملاً روشن باشد ولی یکی از طرفین به صرف اینکه هنوز قراردادی حاصل نده و می‌توان مذاکره را لغو کرد، مباردت به چنین امری نماید، در آن صورت مسئولیت طرف لغو کننده محرز بوده و نمی‌توان از معافیت از مسئولیت سخنی راند.

اصلاحات، مقررات دیگری در دسترس بود. متعهد متخلف نمی‌تواند به دلایل تناسب یا معقول بودن در برابر آن مقاومت کند. این در چندین تصمیم معروف دادگاه تجدیدنظر نشان داده شد. در یک مورد، شرکت ساختمانی خانه‌ای را ۱۳ اینچ زیر ارتفاع مورد نیاز در مشخصات قراردادی ساخت. دادگاه استیناف ناحیه اکس - آن^۲ دریافت که نقض به یک شرط اساسی از قرارداد مربوط نمی‌شود و خانه برای هدف مناسب است. بنابراین دادخواست دستور تخریب و بازسازی خانه را رد کرد. متعهد زیان دیده حق داشت متعهد متخلف را وادار به انجام تعهدات خود کند. در مورد دیگری، نتیجه مشابهی در مورد استخری که با سه پله ساخته شده بود به جای چهار مرحله مشخص شده در قرارداد، حاصل شد. هر چند مرحله چهارم از دست رفته مانع دسترسی به استخر نشد (De Vincelles, 2014).

محدود کردن عملکرد خاص واکنشی به این تصمیمات بحث برانگیز است. منطق این است که جستجوی عملکرد در جایی که عدم تناسب آشکاری بین هزینه آن و منفعت برای قول‌دهنده وجود دارد، به منزله سوء استفاده از حق^۳ است. یک نوآوری جالب دیگر مربوط به فسخ به دلیل نقض قرارداد است. این قانون اکنون شامل یک بخش مفصل و جامع است که شامل هفت ماده در مورد فسخ است. این در تضاد با قانون ۱۸۰۴ است که در آن فقط یک ماده به این نوع جبران خسارت پرداخته است.

درخواست جبران خسارتی که بواسطه عدم اجرای قرارداد به او وارد شده است را مطالبه کند ضمانت اجرایی که با هم تعارض ندارند را میتوان با یکدیگر جمع نمود؛ مطالبه خسارت تأخیر را همیشه میتواند به همراه سایر ضمانت اجراها درخواست نمود.

^۲ Aix-en-Provence

^۳ abus de droit

در حقوق ایران شاید ابتدا چنین به نظر برسد که شرط نداشتن مسئولیت در صورت نقض تعهد از اقسام شروط رافع یا محدود کننده مسئولیت بوده و بر اساس حاکمیت اراده و اصل آزادی قراردادی و به استناد ماده ۱۰ قانون مدنی صحیح می‌باشد ولی می‌توان شرط مزبور را به دلیل سوء استفاده از اصل آزادی قراردادی توسط طرف برتر، مردود شمرد. هم چنین تحمیل شرایط ناعادلانه بر طرف ناتوان که چاره‌ای جز پذیرش ندارد را می‌توان خلاف نظم عمومی اقتصادی دانست. در نهایت اگر شرط باعث شود تعهد قراردادی فاقد ضمانت اجرا گردد و مشروط له بانقض تعهد مسئولیتی پیدا نکند، شرط با مقتضای قرارداد که ایجاد تعهد قانونی بوده در تعارض قرار می‌گیرد. در نتیجه رویه دادگاههای فرانسه در حقوق ایران نیز قابل تأیید است (Taleb Ahmadi, 2013).

۶) جبران خسارت ها

جبران خسارت در سراسر قانون مدنی ۱۸۰۴ پراکنده می‌باشد. در قانون جدید این موضوع به صورت منسجم آورده شده است. ماده ۱۲۱۷ قانون جدید^۱ مقرر می‌دارد که راه‌های جبران خسارتی که ممکن است در صورت تخلف متعهد زیان دیده به شرح زیر باشد: امتناع از انجام یا تعلیق اجرای تعهدات خود، مطالبه اجرای قرارداد، کاهش قیمت، جبران خسارت، و برای فسخ قرارداد. یکی از نوآوری‌های قابل توجه محدودیت در دسترس بودن عملکرد خاص است. ماده ۱۲۲۱ می‌گوید: «قرارداد زمانی منعقد میشود که مورد قبول واقع شود. قرارداد در محل وصول قبولی، انعقاد می‌یابد». این یک فاصله قابل توجه از گذشته است. قبل از

^۱ . شخص در مقابل طرفی که تعهد را انجام نداده، یا ناقص انجام داده است، میتواند

- از اجرای تعهد امتناع کند یا اجرای تعهدات خود را به حالت تعلیق در بیاورد؛

- اجرای قرارداد را با توجه به ماهیت قرارداد مطالبه کند؛

- درخواست کاهش قیمت کند؛

- قرارداد را فسخ کند؛

مواد ۳۹۹ و ۴۵۶ قانون مدنی طرف‌های معامله می‌توانند حق بر هم زدن معامله را مورد اشاره قرار دهند. در برخی مواد هم قانونگذار حق فسخ مستقیم را برای طرف‌ها در نظر گرفته است. آنچه که در مورد حق فسخ مشاهده می‌کنیم، در نظر گرفتن مقرراتی می‌باشد که در فقه آماده است، نظیر ماده ۳۹۶ قانون مدنی که خیارهای عیب، حیوان، شرط، تاخیر ثمن و ... را مورد اشاره قرار داده است. در این موارد نمی‌توان انتظار داشت تغییرات دیگری صورت گیرد چراکه برخلاف رویه فرانسه که در قانون ۱۸۰۴ فقط نقش دادگاه را به رسمیت شناخته بود، قانونگذار ایرانی در یک سده پیش طرف‌های معامله را برای فسخ مختار گذاشته است و در نتیجه نیازی به تغییر قانون دیده نمی‌شود ولی قانون فرانسه چون فسخ را بر عهده محکمه قرارداده بود، نتیاز بود تا مورد بازبینی قرار گیرد و در چندین مواد مختلف در سال ۲۰۱۶ به این نیاز پاسخ داده شد.

نتیجه‌گیری

آنچه در قانون مدنی فرانسه شاهد هستیم، دادن بیش از حد اختیارات به قاضی می‌باشد که البته می‌تواند قراردادها را بی ثبات کند. امری که در حقوق ایران کم رنگ تر است و دوام قراردادها نیز بیشتر است. در مورد سایر اصلاحات صورت گرفته در قانون فرانسه نیز باید توجه نمود که برخی مثل تمدید کنترل شرایط ناعادلانه قرارداد می‌بایست در ایران نو شود چراکه این بحث با قوانین اروپایی تنظیم شده و اکثر کشورهای دنیا با مقررات مشابه این موضوع به تجارت می‌پردازند و ایران نیز می‌بایست در قانون ایران به گنجاندن این شرایط بپردازد؛ گرچه در قانون مدنی به

پس از اصلاحات، فسخ یکی از سه گزینه‌ای بود که در ماده ۱۲۲۴^۱ برای موعود زیان دیده موجود است. بقیه فسخ به موجب حقی در قرارداد و فسخ خودیاری هستند. در مورد دومی، قول‌دهنده اکنون می‌تواند قرارداد را در صورتی که نقض «به اندازه کافی جدی باشد، صرفاً با اطلاع دادن به قول‌دهنده متخلف، فسخ کند. هدف این است که فسخ سریع‌تر، آسان‌تر و ارزان‌تر شود. این را می‌توان به تمایل به ارتقای کارایی اقتصادی^۲ در حقوق فرانسه نسبت داد. علیرغم کاهش نقش دادگاه، رژیم فسخ جدید همچنان از قول‌دهنده متخلف و قرارداد محافظت می‌کند. ضمانت‌های مختلفی در ماده جدید ۱۲۲۶^۳ ارائه شده است. اولاً، در صورت تخلف، متعهد باید به طرف مقابل اخطار دهد که وفای باید در مدت معقولی انجام شود و در غیر این صورت فسخ متعاقب آن خواهد بود. ثانیاً، اگر متعهد متخلف در پایان مدت همچنان متخلف باشد، قول‌دهنده باید با ذکر دلایل فسخ، به او اخطار دیگری مبنی بر پایان قرارداد بدهد. شرایط اخطاریه منبع بالقوه مهمات برای قول‌دهنده است تا برای اعتراض به فسخ اقدام کند.

در مورد فسخ در قانون ایران باید به ماده ۲۱۹ قانون مدنی رجوع کرد. مطابق این ماده اگر معامله‌ای روی داده باشد می‌بایست طرف‌ها به آن پایبند باشند ولی احتمال اینکه یکی از طرف‌ها بخواهد معامله را منحل یا خاتمه دهد، وجود دارد. در این موارد فسخ به کار می‌آید که از حقوق فرانسه متمایز است. یکی از مهم ترین نکات که در مورد فسخ وجود دارد، بحث اعلام این موضوع در قرارداد می‌باشد یا اینکه قانون باید حق فسخ را در مواردی خاص به صراحت مورد اشاره قرار دهد. از طرف دیگر بر اساس

^۱ . فسخ یا در نتیجه اعمال شرط، فسخ در فرض اینکه عدم اجرا به اندازه کافی اساسی تلقی شود با اخطار اعلامی دائن به مدیون و یا حسب تصمیم مقام قضایی محقق می‌شود.

^۲ . Efficacité économique

^۳ . دائن می‌تواند با تقبل ضرر و خسارت به صرف اطلاع به مدیون، قرارداد را فسخ کند بجز در موارد اضطرار برای رعایت تعهداتش باید ابتدا اخطاریه ظرف مدت

زمان معقولی به مدیون مستنکف از اجرای تعهداتش ارسال دارد. اخطاریه می‌بایست به طور مشخص اعلام دارد که چنانچه مدیون به تعهدات خویش عمل نکند دائن حق خواهد داشت تا قرارداد را فسخ نماید. چنانچه عدم اجرای تعهدات ادامه پیدا کند دائن فسخ و دلایل موجه آنرا به مدیون اعلام مینماید. مدیون در هر زمان می‌تواند در اعتراض به فسخ دائن در دادگاه اقامه دعوی دائن برای توجیه فسخ بایستی ثابت کند که نقض قرارداد اساسی بوده است.

دیگر اجبار اقتصادی می‌باشد که در قانون فرانسه امری جدید می‌باشد. مبنایی که این تغییر در قانون فرانسه به وجود آمد، ارتباط خطرناکی می‌باشد که بین شروط اعتباری و اجبار اقتصادی وجود دارد چراکه اجبار اقتصادی می‌تواند شروط ناعادلانه‌ای را فراهم سازد و به نفع یکی از طرف‌ها باشد. این مسئله در ماده ۱۱۷۰ آمده است. این شروط فقط در صورتی معتبرند که تعهد اساسی ناشی از قرارداد را بلااثر ننمایند، در غیر این صورت این شروط می‌توانند مصداق شرط ناعادلانه تلقی شده و بر طبق ماده ۱۱۷۱ باطل اعلام شوند. ولی در قانون ایران این موضوع وجود ندارد و اجبار و شرایط مزبور را نه از منظر اقتصادی بلکه از منظر حقوق تعهدات از جمله رضا و اکراه بحث کرده است و در قانون ایران این مسئله از منظر اقتصادی مورد توجه واقع نشده است که به نظر می‌رسد با بسط همین مسائل در ماده ۱۹۰ قانون مدنی می‌توان اجبار اقتصادی را گنجاند.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

EXTENDED ABSTRACT

The reforms enacted in the French Civil Code through the Ordinance No. 2016-131 of February 10, 2016, initiated profound structural changes in the domain of obligations law. These transformations, which came into effect on October 1, 2016, aimed to simplify legal language, enhance contractual justice, and increase the global appeal of French contract law. The reforms addressed structural complexities and outdated provisions in the original 1804 Civil Code by codifying longstanding jurisprudence and aligning it with European and international standards. For legal systems like Iran's—which has been significantly influenced by French

صورت غیرمستقیم به این موارد اشاره شده است ولی باید منسجم و مشخصاً به این موضوع پرداخته شود. در مورد تعهد به اطلاع رسانی هم در قوانین ایران از جمله در قانون مدنی، قانون بیمه و ... به تناوب اشاره شده است ولی در قانون فرانسه نوآوری صورت گرفته بیشتر کاربردی تر می‌باشد. نوآوری دیگر در قانون فرانسه که بسیار مهم می‌باشد، عدم تعادل ناشی از خود قرارداد می‌باشد. قانون مدنی سابق فاقد این مشخصه بود و قبل از اصلاح قانون، صرفاً این طرفین قرارداد بودند که حق ارزیابی تعادل قراردادی و پیشبینی سازوکار لازم جهت تحقق آن را در اختیار داشتند و قضات این کشور چندان قادر به ایفای نقش در این زمینه نبودند. در قانون جدید در مواد مختلف اینطور به نظر می‌رسد که نظریه غبن دیگر جایگاهی ندارد و به این طریق به ایجاد تعادل قراردادی کمک نموده است که برگرفته از رویه قضایی فرانسه در رای Chronopost می‌باشد ولی با این حال این موضوع در قانون ایران وجود دارد و در بسیاری مواقع عدم تعادل قراردادی را منجر شده است. به نظر می‌رسد برای ثبات قراردادهای بین المللی این قاعده تغییر یافته است ولی قانون ایران هنوز به جمع بندی در این مورد نرسیده و این قاعده هنوز هم اعتبار خود را حفظ کرده است و نیاز است تغییراتی صورت پذیرد یا بسیار محدود شود. تغییر

civil law—the implications are not merely academic. The Iranian Civil Code, particularly its sections on contracts and obligations, bears close resemblance to the pre-reform French model and thus inherits many of its conceptual shortcomings. As such, this comparative investigation of the feasibility of transposing French legal innovations into Iranian law is essential. Emphasis on international commercial practices and reduced judicial intervention reflect modern legal trends that Iran must contend with. The current research employs a descriptive-analytical methodology to evaluate whether such reforms—particularly in terms of judicial control, contractual balance, and transparency

obligations—can be systematically adapted into Iran’s legal framework. Central to this feasibility analysis is the exploration of conceptual parity between French innovations and existing Iranian legal constructs, which may either support or resist such legal transplantation.

A cornerstone of the French reform is the concept of controlling unfair terms, introduced under Articles 1170 and 1171. These articles allow courts to strike down clauses that nullify the core obligations of the debtor or create significant imbalance in the parties’ rights and obligations. This is a considerable shift from the previous French model, where judicial authority was more restrained outside consumer contracts. In Iranian law, Article 233 of the Civil Code similarly declares void any clause contrary to the nature of the contract or that introduces ambiguity regarding essential elements. However, Iran’s model lacks the expansive and structured application evident in France’s updated Civil Code. For example, French Article 1171 introduces a general mechanism for controlling unfair terms in standard form contracts, excluding only the assessment of the contract’s main subject or adequacy of the price. This mirrors the protections found in the European Principles of Contract Law but departs from UNIDROIT Principles, which impose broader obligations even in negotiated contracts ([Whittaker & Stoffel-Munck, 2015](#)). Notably, French commercial law allows for even greater scrutiny when there is a structural imbalance between, say, a large distributor and a smaller supplier ([Lammerville & Stoffel-Munck, 2015](#)). The reform’s reliance on “significant imbalance” as a control mechanism invites critical reflection on whether Iranian law, with its limited criteria for contract nullification, can evolve to incorporate similar consumer- and fairness-oriented safeguards. While Article 233 provides foundational support, it is

insufficiently nuanced to handle the wide spectrum of imbalanced contracts that dominate contemporary commerce.

Another prominent innovation in the French Civil Code is the formal recognition of a pre-contractual duty to disclose significant information, codified in Article 1112-1. This duty mandates that any party with decisive information that might influence the other party’s consent must disclose it—especially when the other party is justifiably unaware and has placed trust in them. Failure to fulfill this obligation can lead to liability and, in cases of misrepresentation, potential nullification of the contract ([Raminpour & Ghanbari, 2015](#)). The Iranian Civil Code does reference the need to disclose hidden defects in transactions, especially in cases governed by insurance law (Articles 12 and 13 of the Insurance Law), where nondisclosure constitutes fraudulent misrepresentation. However, the Iranian legal framework lacks a comprehensive and explicit doctrine of pre-contractual disclosure. Existing interpretations merely align loosely with the French model and only concern pre-contractual contexts ([Nazari et al., 2022](#)). Consequently, there is a pressing need to codify these obligations explicitly, especially in commercial transactions where information asymmetry can severely distort consent and equity. A more operational approach akin to France’s could improve both judicial predictability and contractual fairness in Iran. The reforms also introduced a general principle of maintaining contractual balance, previously absent from the French Civil Code. Historically, French jurisprudence delegated the responsibility of maintaining equilibrium in contracts solely to the contracting parties, without judicial oversight ([De Vincelles, 2014](#)). With the 2016 reforms, several articles (notably 1168, 1169, 1170) now empower judges to address clauses that compromise contractual balance. Notably, the famous Chronopost decision, which invalidated

limitation of liability clauses that undermined the debtor's essential obligations, was codified into the new legal regime. Iranian law, by contrast, addresses contractual balance indirectly. Article 232 of the Iranian Civil Code voids contracts that include impossible, purposeless, or unlawful conditions—yet this approach falls short of offering a comprehensive framework for evaluating imbalance (Jalil Ghanavati et al., 2009). Furthermore, Iranian Article 206 distinguishes coercion from economic duress, asserting that contracts concluded under duress are valid if coercion stems from necessity rather than human threat (Bazgir, 2010). French law, in contrast, through Article 1143, equates abuse of a dependent position with duress, thereby extending legal protections to economically weaker parties (Shahidi, 1998). Iranian contract law should be reevaluated in light of these developments to address modern vulnerabilities in contractual relations, particularly those emerging from structural or economic asymmetries.

The French reforms' approach to economic duress (Article 1143) represents a marked departure from traditional notions of contractual voluntariness. Inspired by the Principles of European Contract Law and the UNIDROIT Principles, this article defines economic duress as obtaining consent through abuse of a party's dependency. In such instances, the disadvantaged party's consent is considered vitiated, and the contract or relevant clause can be nullified (Daloz, 2016). This aligns with concerns about unfair contractual terms arising from imbalanced power dynamics. Article 1170 of the French Civil Code further declares that any clause negating the debtor's core obligation is deemed unwritten (Ferrier, 2015), while Article 1171 invalidates such clauses when they result in significant imbalance. In Iranian law, the lack of an explicit legal doctrine of economic duress is evident, although Articles 190 and

199 of the Civil Code refer generally to lack of consent and coerced contracts (Katouzian, 1997; Safaei, 2013). While these can potentially accommodate claims of economic coercion through interpretive expansion, a more precise statutory provision would better align with modern commercial needs and offer greater judicial clarity. The absence of explicit economic duress legislation in Iran leaves victims of exploitative practices without robust recourse and risks perpetuating inequalities in contractual relations.

The structural reforms also redefined the concept of contract formation, introducing fifteen new provisions that codify established jurisprudence on pre-contractual negotiations, offers, acceptances, and related obligations (Chantepie & Latina, 2016). This rectified a long-standing omission in the 1804 Civil Code and clarified the legal framework for contract creation. Iranian law does acknowledge the relevance of pre-contractual negotiations, especially regarding liability for breaking off advanced talks in bad faith (Taleb Ahmadi, 2013). However, unlike French law, Iranian law does not codify a comprehensive set of rules addressing pre-contractual behavior. In Iran, reliance on Articles 10 and 219 of the Civil Code—along with general principles of intent and consent—may suffice in traditional contexts, but they lack the specificity needed for modern commercial transactions. Iranian scholars have argued for incorporating clearer provisions concerning pre-contractual duties, especially those related to disclosure, good faith negotiations, and withdrawal liability (Raminpour & Ghanbari, 2015). Adopting a codified model akin to France's would not only standardize contract formation procedures but also enhance Iran's legal compatibility with international commercial partners.

Finally, French reforms addressed damages and contract termination in a more structured manner. Article 1217 outlines a comprehensive

array of remedies, including specific performance, price reduction, damages, and termination. Notably, Article 1221 restricts the availability of specific performance when the cost is grossly disproportionate to the benefit (De Vincelles, 2014). This development represents a shift from the previous regime, where courts routinely enforced specific performance, regardless of practical or economic considerations. Iranian law, by contrast, continues to emphasize the binding nature of contracts under Article 219 and provides for multiple grounds of rescission, particularly those derived from Islamic jurisprudence, such as various “options” (khyar) under Article 396. Although Iranian law is replete with termination mechanisms, it lacks the economic efficiency-oriented rationale that underlies the French reforms. France’s approach, aiming for procedural simplicity and fairness, suggests that Iranian law could similarly evolve by incorporating economically rational criteria for termination and damage remedies. Such modernization would harmonize Iranian contract law with global legal trends and promote legal certainty and fairness in cross-border transactions.

References

- Bazgir, Y. (2010). *Jurisprudential and Legal Principles in the Supreme Court's Decisions*. Jungle Publications.
- Chagny, M., & Stoffel-Munck, P. (2015). La généralisation des clauses abusives (articles 1168 et 1169 du Code civil). In *Réforme du droit des contrats et pratique des affaires*. Dalloz.
- Chantepie, G., & Latina, M. (2016). *La réforme du droit des obligations, Commentaire théorique et pratique dans l'ordre du Code civil*. Dalloz.
- Dalloz. (2016). *Réforme du Droit des Obligations - Un Supplément au Code Civil 2016CY - Paris*. Dalloz.
- De Vincelles, A. (2014). *Carole, Droit Des Obligations, T. I*. Dalloz.
- Dissaux, N., & Jamin, C. (2016). *Réforme du Droit des Contrats, Du Régime Général et de la Preuve des Obligations*. Dalloz.
- Ferrier, N. (2015). Le Renforcement du Rôle de Juge dans la Détermination et la Révision du Contenu du Contrat. *Droit Comparé et Européen*, 20.
- Jalil Ghanavati, S. H., Vahdati Shobeiri, S. H., & Ebrahim, A. (2009). *Contract Law in Imamiyyah Jurisprudence (Volume 1)*. SAMT Publications.
- Katouzian, N. (1997). *General Rules of Contracts*. Sherkat Sahami Enteshar.
- Lammerville, D., & Stoffel-Munck, P. (2015). Discussion (à la suite de "La généralisation des clauses abusives (articles 1168 et 1169 du Code civil)"). In *Réforme du droit des contrats et pratique des affaires*. Dalloz.
- Nazari, V., Ghasemzadeh, S. M., & Karimi, A. (2022). Obligation to Provide Information and Contractual Solidarity. *Judicial Legal Perspectives Quarterly*, 27(99).
- Raminpour, S., & Ghanbari, P. (2015). Civil Liability Arising from Termination of Pre-Contractual Negotiations in International Trade Law. *Journal of Financial Law Studies*, 1(4).
- Safaei, S. H. (2010). *Introductory Course in Civil Law (Volume 2): General Rules of Contracts*. Mizan Publications.
- Safaei, S. H. (2013). *General Rules of ContractsPB - Mizan Publications*.
- Shahidi, M. (1998). *Formation of Contracts and Obligations*. Houghoughton Publishing.
- Shahidi, M. (2009). *Civil Law (Volume 1): Formation of Contracts and Obligations*. Majd Scientific and Cultural Assembly.
- Shahidi, M. (2023). *Formation of Contracts and Obligations*. Majd Publications.
- Taleb Ahmadi, H. (2013). *Pre-Contractual Liability*. Mizan Publications.
- Whittaker, S., & Stoffel-Munck, P. (2015). Appendice Les clauses abusives ; point de vue anglais et européen. In *Réforme du droit des contrats et pratique des affaires*. Dalloz.